

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۲۶ سپتمبر ۲۰۲۳



یونس نگاه

ترس "ملا ضعیف" از عدم بقای امارت طالب

در مصاحبه‌ای که ملا ضعیف به‌تازگی با شمشادنیوز کرده، نسبت به بقای امارت طالبان خیلی نگران به نظر می‌رسد. در دقیقه ۲۶ آن مصاحبه خبرنگار از ملا ضعیف می‌پرسد که کدام کمبود امارت طالبان شما را بسیار رنج می‌دهد. ملا ضعیف فوراً می‌گوید: بقای نظام و استحکام نظام. البته او ادامه جمله را طوری بیان می‌کند که نگرانی‌اش بسیار عریان نباشد و برایش درد سر ایجاد نکند. ملا ضعیف جمله‌اش را این‌گونه تکمیل می‌کند: بقای نظام و استحکام نظام آرزوی هر افغان دلسوز است. این‌که در پاسخ آن سؤال مهم، قبل از هر چیزی، عبارت «بقای نظام» از دهان او می‌پرد، نمی‌تواند تصادفی باشد. این عبارت گویا از ناخودآگاه ملا ضعیف می‌جهد و او با صدای بلند ادایش می‌کند، طوری که خودش نیز متوجه تندگی سخنانش می‌شود و می‌کوشد لگام احساساتش را به دست گرفته و با زبان دیپلماتیک توضیح دهد که چرا نگرانی از بقا و استحکام امارت طالبان رنجش می‌دهد. در تلاش برای یافتن کلمات مناسبی که برایش مشکل‌زا نشود، از بیان مطلب اصلی دور می‌افتد و به دعا و ثنا و بیان آرمان‌ها روی می‌آورد. ملا ضعیف می‌گوید از خدا می‌خواهد که نظام بقا کند و مردم به آرامش و کار و زندگی خوب برسند. خبرنگار رهاش نمی‌کند. احتمالاً گپ کمی کشاله‌دار می‌شود و ویدیو با زنگ تفریح قطع می‌گردد. وقتی دوباره ویدیو از سر گرفته می‌شود، خبرنگار می‌پرسد که این‌ها (خطرهای بقا و استحکام امارت) شما را می‌آزارد؟ ملا ضعیف باز هم بی‌حاشیه و رُک اعتراف می‌کند: بلی، رنجم می‌دهد! با این حال، او که خود را امارتی و از بنیان‌گذاران گروه طالبان می‌خواند و دوست دارد دوران ریش‌سفیدی را در آرامش، کتاب‌خوانی، گردش و بدون درد سر سپری کند، می‌داند که رک‌گوئی بسیار، آرامش را به هم خواهد زد. از این رو برای بیان مطلبش عبارتی می‌جوید و باز هم رو به الله آورده می‌گوید فرصتی که خدا جل جلاله برای ما داده است «بسیبیار» بیش‌تر از انتظار ماست (دست‌ان‌ش را برای نشان دادن بزرگی این فرصت باز می‌کند و کلمه بسیار را به پشتو با تأکید زیاد ادا می‌کند).

سخنان ملا ضعیف در آن مصاحبه پر از تمجیدهای ملا عمر و طالبان و امارت است؛ اما او طالبان را می‌شناسد و با توجه به روابطی که دارد، کموبیش آگاه است که در درون آن گروه چه جریان دارد. نگرانی‌هایش بسیار است و ترس‌هایی که درونش ریخته، غلیان می‌کند. با تمام ماست‌مالی، تمجید و دعا، نگرانی‌هایش سرک می‌کشند و او ناگزیر توضیح می‌دهد که چرا می‌ترسد.

او به این سه خطر اصلی برای بقای طالبان اشاره کرده است: (۱) ملت‌سازی. ملا ضعیف نگران است که مردم از کشور می‌گریزند و ملت دچار چنددستگی است. به گفته او، این وضعیت می‌تواند زمینه‌ساز دخالت خارجی‌ها شود و امارت طالبان را برباد دهد. او می‌گوید که با این وضعیت، دوام ثبات ممکن نیست. ملا ضعیف با توجه به موضع امارتی که دارد، می‌کوشد این سخنان را با لحن پیشنهادی بیان کند و می‌گوید که امارت باید همه افغان‌ها، حتا دشمنان سیاسی خود را زیر چتر بگیرد. (۲) قانونیت. او نگران بی‌بندوباری حقوقی است که زیر نام شریعت جریان دارد. ملا ضعیف می‌گوید درست است که شریعت سر مشق ماست، ولی باید در روشنائی شریعت قوانین ایجاد شود تا سرنوشت و آینده مردم در آن معلوم باشد. صلاحیت‌ها و مسؤولیت‌های وزیران و مسؤولان اداری معلوم باشد. اساسات تعامل با جهان در آن قوانین مشخص شود. او از نبود ستراتیژی سیاسی نیز در رنج است. ملا ضعیف می‌گوید که باید امارت طالبان دارای ستراتیژی باشد که براساس مطالعه منافع خود و منافع دیگران و ایجاد تعادل میان آن‌ها ایجاد شود تا مانع تشنج با خارجی‌ها گردد و منافع امارت طالب را تضمین کند. ولی می‌داند که این کار در توان طالب نیست. از این رو به چشم سر می‌بیند که امارت‌شان بر لبه پرتگاه است. (۳) ملا ضعیف می‌گوید خطر دیگری که بقا و استحکام امارت طالب را با خطر مواجه کرده، رفتار با زنان، به‌خصوص تعلیم زنان است. او کوشیده است با ادبیات قابل فهم برای دوستان طالبش اهمیت تعلیم و اجازه کار به زنان را برای بقای امارت این گروه گوش‌زد کند. به گفته ملا ضعیف، وقتی دختران و زنان برای تعلیم، تحصیل و کار به خارج می‌روند «عزت» افغان‌ها بیش‌تر به خطر مواجه می‌شود نسبت به زمانی که آنان در داخل افغانستان این فرصت‌ها را داشته باشند. او از نیاز حضور زنان در بخش صحت و تعلیم یاد کرده و گفته است که دختران باید به مکتب و دارالمعلمین و دانشگاه بروند و آنجا نیز به استادان و معلمان زن نیاز است. در بخشی از سخنانش به علاقه شدید مردم به تحصیل زنان اشاره کرده است. ملا ضعیف و خیلی ملاحی دیگر طالب درک می‌کنند که خلاف خواست‌های مردم و نیازهای زمان قرار گرفته‌اند و هر روز فشارهای خردکننده این دو نیرو را حس می‌کنند. از این رو به‌درستی نگران بقای امارت خودند.

ملا ضعیف که خود را در این مصاحبه نیز از بنیان‌گذاران گروه طالب می‌خواند، انتظار دارد نصایح جدی گرفته شود و باعث «اصلاح» در سیاست و رفتار مسؤولان امارت طالب گردد. اما از سخنان او پیداست که امید چندانی به این اصلاح ندارد و از خدا می‌خواهد که ترس‌هایش تحقق نیابند.

در مستعجل بودن امارت طالبان گاه خود مسؤولان قدیمی و کنونی طالب نسبت به برخی فرصت‌طلبان غیرطالب مطمئن‌تر به نظر می‌رسند. آنان می‌دانند که ظرفیت سیاسی، بشری و مدیریتی امارت طالب چه‌قدر ناچیز است. می‌دانند که چگونه آنان توانسته‌اند در خلأ حاصل از سازش‌های خارجی دوام کنند و با هر گونه تغییری در معادلات کنونی، فرصت‌شان به پایان خواهد رسید. اما بسیاری در تحصیل‌کردگان، تاجران، منتقدان و سیاست‌پیشگانی که به جای کار برای رهائی کشور از این تعلیق و بن‌بست، چشم‌به‌راه ترحم ملا هبت‌الله و اصلاح طالب می‌نشینند و امیدوارند که این امارت بقا کند و مطابق میل آنان اصلاح شود و متحول گردد!

غیرطالبان نیز باید ترس‌های خود را جدی بگیرند. فردای فروپاشی امارت طالب، چگونه خواهد بود؟ گروه‌های غیرطالب چه قدر برای اداره کشور و ساختن نظام پایدار آمادگی دارند؟ چه تعداد از سیاسی‌ها به جای اندیشیدن به تعامل با طالب، مشغول کار برای افغانستان پس از طالب‌اند؟